

استعاره‌های کهن، در کمند نگاهی نو

نگاهی به آثار نقاشی محمد رحیمی - گالری نار www.rahimeworks.com

استه از دوازده نشانه دایره‌البروج، هشت نشانه حیوان است و استفاده عالمکبر از نشانه‌های حیوانی برای ترسیم تجربه جهان است. پیش از محمد رحیمی، یعنی ده هزار سال قبل از تاریخ ملون، انسان‌های دیگری نیز بوده‌اند که نقش گاو را بر دیواره غارها حک می‌کردند.

حالا یک هنرمند جوان با رویکردی اکسپرسیو و با بورشی بی‌براه نیروی باروری-غرور و قدرت را در کالبد گلهایی زیبا و قوی بر پرده نقش می‌کند. هیچ‌یک از گلهایی نقش شده توسط محمد رحیمی، ترسناک، زشت و بی‌رحم به نظر نمی‌آیند. قدرت آنان در فیزیک توهمند و عظمت پرورش است؛ اما این قدرت گویی بر مهار نیروی تحمل و سودمندی (که از دیگر خصائل استماری گاو است)، کنترل شده است.

خواهیم دید که مفاهیم استماری کهن نقش گاو چه ظرفیت گسترده‌ای از نمادپردازی و نیروی بیان را به همراه دارد:

- گاو موسی، نزد مسلمانان، یکی از ده حیوان بهشتی.
- در مسیحیت: نشانگر رنج و خستگی ناپذیری عیسی (به اصلاح بشریت).
- در اساطیر ایران: نماد ایر، باران و توفان بوده است.
- در یونان: تصمی از نیروی زاد و ولد «پوتی سوس» بوده و خوردن آن بخشی از نیایش خدا محسوب می‌شده است.
- در چین کهن: نماد بهار بوده است، چینیان باستان برای تجدید ایام بهار بر مجسمه کثی گاوتر می‌کوفتند.
- در هند: جانوری تقدیس شده است.
- در اساطیر مصر: نماد آسمان، و چهار پای این حیوان نشانگر چهار ستون نگهدارنده دنیا یا چهار جهت زمین است.
- استفاده از کهن الگوها و عناصری همچون: کوه، درخت، حیوان، آسمان، ... همواره می‌تواند نشی به الهامات، ابهامات و استعارات همیشگی بشری باشد.
- تصویر گاو در آثار محمد رحیمی، اشاراتی ضمنی به این استعاره کهن دارد، اما از سفر پرزادش هنری، در زمره آثار ملون فرار می‌کیرد. □

این موزه از آثار نقاشی محمد رحیمی یک خصیسه غیرقابل انکار دارند، خصیسه‌ای که تنها با لفظ «مبالغه» (exaggeration) قابل توضیح است.



اگر در بیان معنای مبالغه، «کوه» را بزرگ‌نمایی یک «تپه» و «باد» را «نیسی» انزاع‌آمیزه به حساب آوریم، نقش گاو در آثار رحیمی را با چه معنایی باید تشریح کنیم؟ او، حتی در آن‌دسته از آثارش که ابعاد کوچک‌تری دارند نیز، تصویر گاو را با چنان هیبتی نقش کرده است که بسیار قدرتمند و بزرگ به‌نظر می‌رسد. تأکید بر این مسئله، در واقع اشاره به عنصر مبالغه‌ای است که از بارزترین خصائل این گروه از نقاشی‌های محمد رحیمی به حساب می‌آید.

گلهایی نقش شده در آثار این هنرمند، آن‌چنان پر قدرتمند که بیننده خود را در برابر آن‌ها کوچک تصور می‌کند. درست مانند پله‌ها و سنگگرفش‌هایی که عرض‌شان از قدم انسان بیش‌تر است و باعث احساس کوچکی انسان می‌شوند. محمد رحیمی از چنین مبالغه‌ای که مقیاسی ملورای انسان را القاء می‌کند، بهره گرفته است. اما گفتن ندارد که هرگاه نقش دست به مبالغه و تأکید و انزاع برزند، بایستی از توان تکنیکی و مهارت فنی خود مطمئن باشد. اگر انزاع‌های پر قدرت محمد رحیمی این‌چنین کردن مخاطب را به سوی آثارش می‌چرخانده به دلیل توش و توان قابل توجه او به طراحی و نقاشی است.

محمد رحیمی با استفاده از کهن الگوی گاو، اشاراتی ضمنی و هوشمندانه به این استعاره بسیار قدیمی دارد.

نخستین موضوع نقاشی در جهان «حیوان» بود. احتمالاً نخستین رنگ نقاشی هم خون حیوان بود. ژان ژاک روسو، در تحقیق در منشأ زبان‌ها (Essay on the Origins of Language) می‌گوید که خود زبان یا «استعاره» (metaphor) شروع شد؛ باز آن‌جا که عوامل نخستین انگیزه‌هایی بودند که انسان را به حرف زدن واداشتند، نخستین سخنان او دارای معنی مجازی (استعاری) بود. زبان تصویری نخستین زمانی بود که پدید آمده اگر نخستین استعاره «حیوان» بوده، بدین دلیل بود که رابطه بنیادی میان انسان و حیوان رابطه‌ای استعاری بوده



